# جوهره تکوینی قرآن و پاسخ به نقص و حذف برخی از آیات و سور

دوم؛ روایاتی داریم که کل سوره نیامده و کل آیه نیامده است. جواب این اشکال چیست؟ جواب آن را ابوفاختهٔ داد. سعید بن علاقهٔ ابوفاختهٔ از اصحاب خاص امیرالمؤمنین جواب آن را میدهند. تمام مصاحفی که عثمان به بلاد فرستاد، با موارد اختلاف کثیرهای که این مصاحف با هم داشتند، در طول تاریخ یک مسلمان نیامده بگوید این مصحف درست است و دیگری غلط است، اینها که نیست. من عرض کردم همین الآن در جهان اسلام وقتی مصحف ورش را باز میکنیم میگوید «و اوصی» اما در بلاد ما وقتی مصحف را باز میکنیم میگوید «وَوَصّیٰ بِها إِبْراهیمُ بَنیهِ[1]». در طول تاریخ مصحف و تفسیر اگر نگاه کنید یک نفر پیدا کنید، اما پیدا نمیکنید. این حرف کم است؟! دو مصحف بوده یکی برای مدینه بوده و دیگری را به کوفه فرستاده بودند. چرا مختلف نوشتند و هیچ کسی هم نگفت اشتباه شده؟! بهخاطر اینکه کسانی که فرستادند میدانستند دو قرائت داریم که حضرت اقراء کردهاند. عدهای که معلمشان «اوصی» می خوانده و شنیده، دیگری هم «وصی» می خوانده و شنیده اند. سند داشتند. مشکلی نداشتند.

لذا عرض کردم آن کتاب خوبی که برای اساتید ایران است و عمر خود را در تخصصشان گذاشتهاند –پژوهش در رسم مصحف- روی این مبنای غلطی که جا گرفته، فرموده بودند «الندار کالمعدوم». شما چهل و چهار مورد را در مصحف شمارهٔ گذاشتهاید، بعد میگوییم «الندار کالمعدوم»؟! این معنا دارد؟! خودتان چهل و چهار مورد میآوردی که احدی را یارای اینکه یکی از آنها را انکار کند نیست، در طول تاریخ هم یک نفر نیامده بگوید یکی از اینها درست است و دیگری غلط است، خب این «الندار کالمعدوم» میشود؟! چهل و چهار مورد کجا معدوم است؟! معلوم میشود که مبنای شما مشکل دارد. این چهل و چهارات روی روال خودش بوده.

شاگرد: پس دعوای اجتهاد از چه زمانی باب شده که میگفتند خودشان اجتهاد کردهاند؟ خودتان بحث ادبیات را نقل کردید. شما میفرمایید احدی انکار نمی کرده پس این دعوایی که میگفتند خودش اشتباه کرده، چیست؟

استاد: قرائت لفظ و مصحف است. اینها فنون علوم قرآنی است. میخواهم در ذهنتان برجسته و ممتاز شود. رسم المصحف اجتهادی نیست. خطأ النساخ، خطأ الکتاب داریم. چند صفحه در فدکیه برای آن باز کردهام. اینها را داریم اما اجتهاد، در قرائت است. این چهل و چهار تا برای رسم المصحف است. یعنی آن چه که ناسخ نوشته را در بلاد فرستاده است. اینکه ربطی به اجتهاد ندارد. در مصحف کوفه «ووصی» بود، در مصحف مدینه که ورش میخواندند «و اوصی» بود. مشکلی هم نداشتند. آنها میدانستند که در آن مصحف اینچنین است و در مصحف دیگر اینچنین. هر کدام هم به اقراء استاد خودشان میخواندند. دیگری را هم نفی نمیکردند. الآن صاحب مفتاح الکرامه میگویند که فخر رازی گفت آنها یک دیگر را نفی میکردند. کجا نفی میکردند؟! ایشان فرمودند

«الظاهر الاتفاق علی خلافه». این را نگفتند؟! اتفاق علماء بر خلاف حرف فخر رازی است که می‌گوید هر یک، قرائت دیگری را نفی می‌کردند. فخر رازی این را از جیب خودش در آورده است.

حال به مسأله اجتهاد می‌رسیم. بحث‌های خوبی ذیل آن هست. فعلاً می‌خواهم تیتر بحث را عرض کنم. در آن جایی که روایات می‌گوید یک سوره و یک آیه کم شده، آن جا جواب چیست؟ جواب این است که ابوفاخته می‌گوید تا در مورد جوهره قرآن کریم فکر نکنیم و برای ما روشن نشود، بحث از مصاحف، قرائات و تعدد نزول حل نخواهد شد. بحثی ابتر خواهد بود.

آن چه که ابوفاخته به ما گفت، چه بود؟ از اصحاب خاص بود. از خودش همینطور چیزی نمی گفت. بالاترین مطلب را از جیب خودش نمی‌گوید. معلوم است. چنین کسی در رده کمیل بود. به نظرم جزء شرطه الخمیس بود. طبری در دو جا از او نقل کرده است. فعلاً به حرف او به‌عنوان جواب بخش دوم اشاره می‌کنم.

تمام مصاحفی که عثمان نوشته و فرستاده و هیچکدام هم مشکلی ندارد، حتی در یک حرف هم تحریف نشده است. به این معنایی که همه می‌گویند یک واو کم و زیاد نشده است. تمام این مصاحف به این صورت است. «الناردکالمعدوم» یعنی چه؟! تمام این مصاحف طبق اقراء خاصی است که کسی که شنیده بوده آن را با سند درست برایتان ثبت کرده است. در هیچکدام از مصاحف نه یک واو کم شده و نه زیاد شده. می‌گویی کم و زیاد دارد؟! اگر شما مبنا را بفهمید و بدانید بروخورد مسلمین با قرائات به چه نحوه بوده، هیچکدام از آن‌ها کم و زیاد نشده است.

---

[1]البقره ۱۳۲

---

بازبینی #4
ایجاد شده 2 مه 2024 09:04:25 توسط ... .
به روزرسانی شده 6 ژوئن 2024 08:20:32 توسط ... .